

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:

An Analysis of the Role of Social class's Lifestyle in the Pattern of Housing; Case Study: The late Qajar and Early Pahlavi Houses in Ardabil

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن نمونه موردی: خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در اردبیل*

پریسا محمد حسینی^۱، علی جوان فروزنده^{۲*}، اسماعیل جهانی دولت‌آباد^۳، علی اکبر حیدری^۴

۱. گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۳. گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛ استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۴. گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران؛ استادیار معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه یاسوج، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۷/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۶ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: انسان‌ها بر مبنای شیوه زندگی خود، نحوه سازماندهی، نوع و ساختار سکونتگاه‌های خود را شکل می‌دهند. در یک محیط ثابت وجود اختلاف‌هایی در سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین به شکل‌گیری طبقات اجتماعی مختلف و بالطبع به تفاوت‌هایی در روش زندگی می‌انجامد. بر همین اساس جستجو در چگونگی اثرپذیری الگو و ساختار خانه‌های طبقات اعیان و متوسط شهری اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی از وضعیت طبقه اجتماعی ساکنان، از طریق بررسی تمایزها در ترکیب سرمایه‌ها و روش زندگی، مسئله اصلی تحقیق را شکل داده است. هدف: اهمیت و ضرورت تحقیق در توجه به گونه‌های مختلف مسکن، به‌ویژه خانه‌های طبقه متوسط، پرتوافکنی بر بخشی از تاریخ معماری شهر اردبیل و توجه به نقش مؤلفه‌های غیر کالبدی (فرهنگ و جامعه) در معماری مسکونی است. تبیین تأثیر سرمایه‌های طبقات اعیان و متوسط جامعه در شیوه زندگی، و چگونگی اثرپذیری ساختار خانه‌ها از روش زندگی در نمونه‌های موردی هدف تحقیق حاضر است.

روش تحقیق: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. پس از تحلیل ابعاد کالبدی-فضایی خانه‌ها، طی یک بررسی تطبیقی، تأثیر روش زندگی بر ساختار خانه‌ها براساس نسبت‌های سرمایه در طبقات اعیان و متوسط مورد بحث قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز از طریق روش‌های مطالعات اسنادی، مصاحبه، مشاهده و بررسی‌های میدانی استخراج شده است.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج تحقیق، تفاوت عمده میان طبقات اعیان و متوسط شهر اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی که موجب تفاوت‌های کالبدی و فضایی در خانه‌ها شده است، متأثر از میزان سرمایه‌های اقتصادی آنها بوده است. مردم اردبیل در بسیاری از مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دارای اشتراکاتی با یکدیگر بوده‌اند. در این میان آنچه موجب تمایز طبقات می‌شده، نوع برخورد متفاوت در قبال این مؤلفه‌ها بوده است، به‌نحوی که طبقه اعیان اغلب در مواجهه با موضوعاتی چون جایگاه، روابط و هویت اجتماعی، سلیقه، ذائقه و... به صورت پرتکلف‌تر و همراه با القای حس تمایز و تفاخر عمل می‌کردند. نمود فضایی-کالبدی این موارد را می‌توان در ورودی، نما، فضای مهمان، فضاهای خدماتی، اثاث خانه، تزئینات و... در خانه‌های طبقه اعیان و متوسط مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: روش زندگی، طبقات اجتماعی، طبقه متوسط، الگوی مسکن، اردبیل.

جوان فروزنده و دکتر اسماعیل جهانی دولت‌آباد و مشاوره دکتر علی اکبر حیدری در دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل ارائه شده است.
* نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۴۵۱۱۵۶۴، alijavanforouzande@gmail.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری پریسا محمد حسینی تحت عنوان «واکاوی جایگاه فرهنگ در شکل‌گیری الگوی مسکن طبقه متوسط (نمونه موردی: خانه‌های دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی شهر اردبیل)» است که به راهنمایی دکتر علی

مقدمه و بیان مسئله

سکونتگاه‌های انسانی همواره بازتابی از شیوه‌های زندگی گروه‌های انسانی هستند. عوامل بسیاری در شیوه زندگی افراد دخیل است. راپوپورت فرهنگ و شیوه زندگی منتج از آن را عامل اصلی در شکل‌گیری صورت‌های کالبدی خانه‌ها می‌داند و عوامل دیگر را به عنوان عوامل تغییردهنده برمی‌شمرد (Rapoport, 1969). از جمله عوامل تغییردهنده، عوامل اقتصادی و اجتماعی است. از نگاه بوردیو، جایگاه فرد در ساختار اجتماعی بیانگر میزان بهره‌مندی شخص از سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (Bourdieu, 1986)؛ لذا سبک و شیوه زندگی اقشار مختلف تحت تأثیر جایگاه طبقاتی آنها قرار دارد. از این رو، می‌توان گفت در یک محیط ثابت، وجود اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شکل‌گیری تفاوت‌هایی در طبقات اجتماعی و بالطبع در روش زندگی و الگوهای سکونت و مسکن افراد می‌انجامد. مطالعه خانه از این منظر به درک تفاوت‌ها و تشابه‌ها میان ساختار خانه‌ها در یک جامعه کمک می‌کند و لذا می‌تواند رویکردی مناسب برای شناخت خانه‌ها در نظر گرفته شود. بر همین اساس خانه‌های طبقات اعیان و متوسط شهری اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی به عنوان نمونه‌های موردی برگزیده شده و بررسی چگونگی اثرپذیری الگو و ساختار خانه‌ها از وضعیت طبقه اجتماعی ساکنان، از طریق بررسی تمایزها در ترکیب سرمایه‌ها و روش زندگی، مسئله اصلی تحقیق را شکل داده است. فرضیه تحقیق این است که تمایز طبقات اجتماعی در اردبیل اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، منجر به بروز تفاوت‌هایی در روش زندگی و الگوهای مسکن و سکونت ایشان شده است. در این راستا، در بحث تمایزهای طبقاتی در جامعه و نقش انواع سرمایه در آن، از آرای پیر بوردیو و به علت اهمیت سرمایه فرهنگی در دیدگاه آموس راپوپورت، از آرای وی در زمینه رابطه فرهنگ با روش زندگی و محیط مصنوع، بهره گرفته شده است. اهمیت تحقیق در توجه به گونه‌های مختلف مسکن طبقات اجتماعی، به‌ویژه مسکن طبقه متوسط که در معرض نابودی است، پرتوافکنی بر بخشی از تاریخ معماری شهر اردبیل و توجه به نقش مؤلفه‌های غیرکالبدی (فرهنگ و جامعه) در معماری مسکونی است.

پرسش‌های تحقیق

تحقیق حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. عوامل مؤثر در شکل‌گیری گونه‌های مختلف روش زندگی چیست؟

۲. روش زندگی چگونه در ساختار و الگوی مسکن تأثیر می‌گذارد؟

۳. تفاوت در روش زندگی طبقات اعیان و متوسط اردبیل اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی چه تأثیری در الگوها و ساختار مسکن ایشان داشته است؟

پیشینه تحقیق

در اغلب مطالعات انجام‌شده پیرامون خانه‌های تاریخی، خانه‌های اعیان و طبقات برتر جامعه به عنوان الگوهای خانه‌های ایرانی معرفی شده است (محمدحسینی، ۱۳۹۰؛ ارمان، سلطان‌زاده و ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۴؛ ارژمند و خانی، ۱۳۹۱؛ مؤمنی و ناصری، ۱۳۹۴؛ حجت و حیدری، ۱۳۹۵). این در حالی است که از دیرباز بخش قابل توجهی از بافت مسکونی محلات شهری را معماری مردمی طبقات متوسط و پایین جامعه شکل داده که علاوه بر کثرت و کمیت، ابعاد کیفی و معنایی قابل تأملی نیز دارد. در میان نادیده‌گرفته‌شدن مسکن طبقه متوسط، ناصری و همکاران در تحقیقی به تأثیر شغل و سطح اجتماعی مالکان مسلمان خانه‌های قجری بوشهر در شکل‌گیری سلسله‌مراتب محرمیت فضای ورودی خانه پرداخته‌اند (ناصری، مؤمنی، کاکای‌زاده و وثیق، ۱۳۹۵). این تحقیق از معدود تحقیقات ایرانی است که به نقش تمایزات اجتماعی در مسکن می‌پردازد. در برخی تحقیقات غیرایرانی با تکیه بر آرای بوردیو و دیگر جامعه‌شناسان به موضوعاتی چون نقش ابزاری معماری در ابراز هویت و جایگاه اجتماعی (Archer, 2015)، تأثیر نابرابری‌های اجتماعی در تفاوت‌های بافت کالبدی در شهرهای معاصر (Savage, 2012)، و نقش برتر و غالب کنش‌ها و الگوهای فرهنگی طبقات برتر در سلیقه‌ها و ذائقه‌های هنری دیگر طبقات جامع (Gartman, 2013) پرداخته شده است. اغلب این تحقیقات مربوط به مصادیق معاصر است و با تحقیق حاضر که مربوط به مصادیق گذشته است، در مفاهیم و مبانی نظری اشتراک دارند.

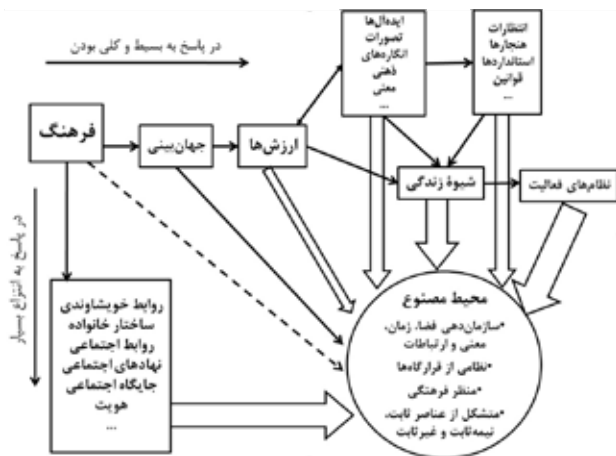
مبانی نظری تحقیق

در نظر جامعه‌شناسان شکل‌گیری طبقات اجتماعی متأثر از توزیع سرمایه در جامعه است (گرب، ۱۳۷۳). به عقیده بوردیو در هر میدانی چهار نوع سرمایه وجود دارد: الف. سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و بقیه انواع منابع مالی است؛ ب. سرمایه اجتماعی، به مقامات و روابط گروهی یا شبکه‌های اجتماعی مربوط می‌شود که فرد درون آن قرار گرفته است؛ پ. سرمایه

(تصویر ۱). در این تصویر سرمایه اجتماعی ذیل مفهوم فرهنگ گنجانده شده است.

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به بحث‌های مطرح‌شده، ساختار طبقات اجتماعی از ترکیب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین تشکیل شده است. میزان سرمایه اقتصادی در مقوله‌هایی چون شغل، درآمد، محل زندگی، سرمایه مادی و گرایش‌های مصرفی قابل پیگیری است. سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه‌های اجتماعی مانند روابط و جایگاه اجتماعی، ساختار خانواده، روابط خویشاوندی و هویت اجتماعی است. سرمایه فرهنگی و نمادین شامل مفروضات اساسی و ذهنی چون جهان‌بینی، ارزش‌ها، باورها و ایده‌آل‌ها است که از طریق طرح‌واره‌های ذهنی و معانی به صورت الگوها، هنجارها، قوانین و الزامات در سلیقه‌ها و ذائقه‌های افراد ظاهر می‌شوند و در عادت‌واره‌ها نمود می‌یابند. عادت‌واره‌ها علاوه بر اینکه بیان عینی سلیقه و ذائقه‌ها محسوب می‌شوند، از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و اقتصادی نیز متأثر هستند. در نهایت، مجموع مؤلفه‌های مذکور در روش زندگی منعکس می‌شود. روش زندگی، بازتاب مفروضات اساسی و ذهنی است که از طریق تجربه زیست افراد در شرایط خاص اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در محیطی خاص شکل گرفته است. بنابراین، با تحلیل روش زندگی می‌توان به تمایزهای طبقاتی در جامعه و چگونگی تأثیر متقابل آن بر الگوهای سکونت و مسکن افراد جامعه پی برد. در تصویر چارچوب نظری تحقیق (تصویر ۲)، نسبت روش زندگی با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین و الگوهای فضایی-کالبدی نشان داده شده است.



تصویر ۱. نمودار تفکیک فرهنگ و نمایش نحوه ارتباط آن با محیط مصنوع. مأخذ: Rapoport, 2003, 166.

فرهنگی، شامل مهارت‌های خاص و شیوه‌هایی می‌شود که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد و در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند؛ ت. سرمایه نمادین، شامل کاربرد نمادهایی است که فرد به کار می‌گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است (فکوهی، ۱۳۸۱، ۳۰۰؛ Turner, 1998, 51). از نظر بوردیو بین سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نوعی رابطه دیالکتیکی وجود دارد. به طوری که هر کدام به بازتولید دیگری می‌پردازند (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳). بیشتر بحث‌های بوردیو پیرامون طبقه، سرمایه فرهنگی و شیوه زندگی مطرح شده است (Bourdieu, 1984). نگرش‌های فرهنگی، ترجیحات و رفتارها به عنوان سلیقه‌ها (ذائقه‌ها) تصور می‌شوند و به گزینش اجتماعی می‌انجامند (Lamont & Lareau, 1988). بوردیو ذائقه را نوعی آگاهی از طبقه و جایگاه اجتماعی و نشان‌دهنده روحیات زیبایی‌شناختی و گرایش‌های مصرفی تعبیر می‌کند. در واقع هر یک از طبقات اجتماعی ذائقه خاص خود را داشته و هرگونه تغییر و تحول در این ذائقه منوط به شرایط طبقه‌ای افراد (منش‌ها) است (گنجی و حیدریان، ۱۳۹۳). سلیقه با تبدیل شدن به «عادت‌واره» به صورت طبیعت و سرشت فرد درمی‌آید. براساس مشابهت‌های «عادت‌واره» سبک‌های مختلف زندگی شکل می‌گیرند که مجموعه‌ای از سلیقه‌ها و عمل‌های نظام‌مندند (مؤید حکمت، ۱۳۹۲). بوردیو سبک‌های زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه افراد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند (Bourdieu, 1986). از این رو، سبک یا روش زندگی شامل عادت‌واره‌هایی است که منعکس‌کننده سلیقه و ذائقه‌های افراد هستند و میان اعضای یک طبقه اجتماعی با ترکیب سرمایه‌های مشترک وجود دارند. خانه یکی از محمل‌های مهم نمودپذیری روش زندگی است.

مطالعات در حوزه ارتباط فرهنگ و شکل خانه نیز عموماً در سه حوزه قابل دسته‌بندی است که شامل روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و نحوه همسازی انسان با محیط است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰). روش زندگی تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از خلال آن می‌توان به تمایزهای فردی و گروهی و متعاقباً مسئله هویت افراد و گروه‌ها پی برد (افشاری و پوردیهیمی، ۱۳۹۵). راپوپورت در راستای تبیین نسبت میان فرهنگ و محیط مصنوع شیوه زندگی را عینی‌ترین مظهر فرهنگ برمی‌شمرد که در نظام‌های فعالیت منعکس می‌شود

استخراج شده از مبانی نظری تحقیق (مؤلفه‌های سرمایه‌ها در تصویر ۲)، شکل گرفته‌اند. از طریق استدلال منطقی اسناد مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اردبیل، سعی شد درکی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن روزها حاصل شود. بررسی ساختار کالبدی و انتظام فضایی خانه‌ها با روش بررسی‌های میدانی و مشاهده مصادیق و بررسی اسناد و نقشه‌های مربوطه انجام شده است.

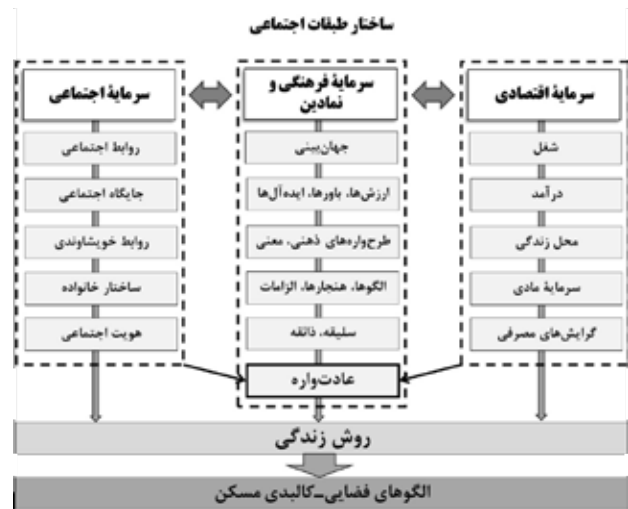
محدوده و نمونه‌های مورد مطالعه

در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، مردم اردبیل از لحاظ اقتصادی و سیاسی در وضعیت نه‌چندان مساعدی قرار داشتند. هجوم و چپاول عشایر، شیوع بیماری‌هایی مانند حصه و وبا، قحطی‌های مداوم، در کنار جدال‌های فرقه‌ای و تبعات جنگ جهانی اول، مجموع اوضاع و احوال مردم اردبیل در آن ایام را به تصویر می‌کشد. این موضوع بیش از هر چیز در وضعیت معیشتی طبقه متوسط که اکثریت بافت جامعه را شامل می‌شد، نمود داشت و طبقه اعیان به علت پشتوانه اقتصادی و سیاسی خود کمتر تحت تأثیر قرار می‌گرفت (بابا صفری، ۱۳۷۱، ج. ۳، ۲۰۱) با این حال «وجود یک جامعه همگن از لحاظ بافت اجتماعی، مذهبی و سنتی» از جمله ویژگی‌های اجتماعی اردبیل در دوران مذکور بود. اردبیل در گذشته دارای شش محله اصلی و تعدادی محلات فرعی (خولا) بود. از میان خانه‌های تاریخی موجود، ده خانه از محلات مختلف برگزیده شد (جدول ۱)، که نمونه‌های ۱ تا ۵ مربوط به طبقه متوسط، و نمونه‌های ۶ تا ۱۰ مربوط به طبقه اعیان است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

• مقیاس کلان

نسبت توده و فضا: خانه‌های طبقه متوسط از فضاهای باز و بسته تشکیل شده است و فضای نیمه‌باز در آنها وجود ندارد. می‌توان دلایلی اقلیمی چون اجتناب از ایجاد سایه و کنترل فضاها از نظر حرارت را دلیل عدم وجود فضاهای نیمه‌باز در این خانه‌ها برشمرد. برخلاف خانه‌های طبقه متوسط، فضای نیمه‌باز در برخی از خانه‌های اعیان، به واسطه وجود ایوان یا عقب‌نشستگی بخش مرکزی نما وجود داشت که این امر موجب جلوه و زیبایی بیشتر نما می‌شده است. اغلب فضاهای اصلی زندگی در خانه‌های طبقه متوسط در سمت شمالی حیاط و به‌ندرت در سمت جنوبی ساخته می‌شد، اما در خانه‌های اعیان گاه خانه‌های کوشکی نیز ساخته شده



تصویر ۲. چارچوب نظری تحقیق؛ نسبت روش زندگی با سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین. مأخذ: نگارندگان.

روش انجام پژوهش

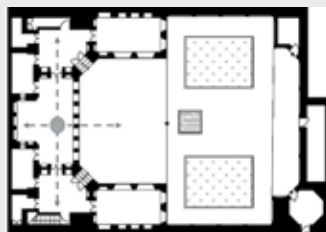
راهبرد تحقیق توصیفی-تحلیلی است که در زمینه تاریخی انجام می‌گیرد. طبقات اجتماعی متغیر مستقل و ساختار خانه‌ها متغیر وابسته هستند و مفهوم «روش زندگی» به عنوان متغیر میانجی به تبیین این ارتباط کمک می‌کند. این موضوع در خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی شهر اردبیل پیگیری شده است. دلایل انتخاب خانه‌های این دوره زمانی این است که: ۱. شواهد مادی و معنوی (مصادیق، افراد و خاطره‌ها) از آن دوره موجود است؛ ۲. هنوز مدرنیسم و مظاهر آن وارد جامعه نشده است و لذا فاکتورهای زیادی در بررسی وضعیت اجتماعی و ساختار خانه‌ها دخیل نیست و جامعه به مراتب همگن‌تر است؛ و ۳. خانه‌های این دوره (به‌ویژه خانه‌های طبقه متوسط) با گذشت زمان از بین خواهند رفت و در سایه فراموشی قرار خواهند گرفت. به این منظور تعدادی خانه به عنوان نمونه‌های موردی، برگزیده شده و طی یک بررسی تطبیقی، ویژگی‌های کالبدی-فضایی خانه‌های طبقه اعیان و متوسط در سه مقیاس کلان، میانی و خرد تجزیه و تحلیل شده است. سپس تفاوت‌ها و شباهت‌های استخراج شده براساس شیوه زندگی استفاده‌کنندگان از خانه‌ها مورد بحث قرار گرفته است. به منظور گردآوری اطلاعات، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کهن‌سالان شهر اردبیل و کسانی که در خانه‌های قدیمی زندگی کرده‌اند یا خاطراتی از آن ایام دارند و نیز تحلیل محتوای کیفی این مصاحبه‌ها برای کسب اطلاعات مربوط به شیوه زندگی در خانه‌ها و الگوهای سکونت استفاده شده است. مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای آنها براساس مقوله‌های

تصویر	پلان	توضیحات	شماره خانه
 <p>دهلیز خانه شماره ۱</p>		<p>قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: قالیباف خانه فاقد زیرزمین است. بالاخانه روی راهروی ورودی قرار دارد.</p>	<p>خانه شماره ۱</p>
 <p>اتاق مهمان خانه شماره ۲</p>		<p>قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: تاجر خرد خانه فاقد زیرزمین است. بخش جنوبی انبار و اصطبل بوده است.</p>	<p>خانه شماره ۲</p>
 <p>مطبخ خانه شماره ۳</p>		<p>قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: تاجر خرد خانه فاقد زیرزمین است. بخش جنوبی، انبار و اصطبل بوده است.</p>	<p>خانه شماره ۳</p>
 <p>نمایی از خانه شماره ۴</p>		<p>قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: کارمند بانک خانه فاقد زیرزمین است. مطبخ در پشت اتاق و دهلیز شرقی قرار دارد.</p>	<p>خانه شماره ۴</p>
 <p>نمایی از خانه شماره ۵</p>		<p>قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: تاجر خرد خانه فاقد زیرزمین است. بالاخانه‌ای روی دهلیز قرار دارد.</p>	<p>خانه شماره ۵</p>

ادامه جدول ۱.



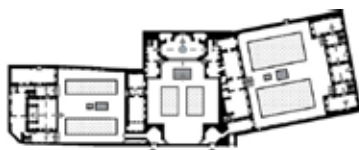
نمایی از خانه شماره ۶



خانه شماره ۶
 قدمت: اواخر قاجار
 شغل مرد خانه: ملاک
 اندرونی خانه تفکیک و تخریب شده است. خانه دارای دو نیم طبقه و زیرزمین است که مطبخ در آن قرار داشته است.



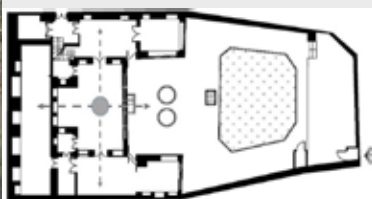
نمایی از بخش مرکزی خانه شماره ۷



خانه شماره ۷
 قدمت: اواخر قاجار
 شغل مرد خانه: ملاک و تاجر
 بخش مرکزی بیرونی و بخش جنوبی اندرونی خانه است. بخش شمالی بعدها در دوره پهلوی ساخته شده است. هر سه بخش دارای زیرزمین است.



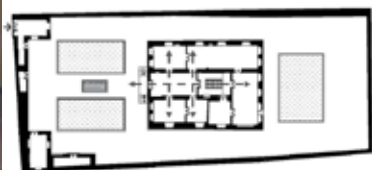
نمایی از بیرونی خانه شماره ۸



خانه شماره ۸
 قدمت: اواخر قاجار
 شغل مرد خانه: ملاک و تاجر
 هستی و بخش اندرونی خانه تفکیک و تخریب شده است. خانه دارای زیرزمین و دو نیم طبقه است.



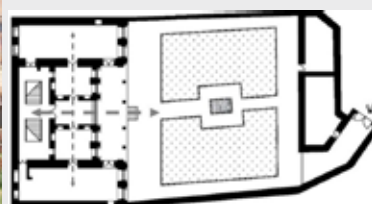
نمایی از پله میان خانه شماره ۹



خانه شماره ۹
 قدمت: پهلوی اول
 شغل مرد خانه: تاجر و دولت مرد
 خانه دوطبقه و به صورت کوشکی درون محوطه قرار دارد که در پشت آن گلخانه وجود داشت.



نمای خانه شماره ۱۰



خانه شماره ۱۰
 قدمت: پهلوی اول
 شغل مرد خانه: ملاک
 خانه دوطبقه است و ارتباط طبقات از طریق پله های میانی تأمین می شود.

و خانه‌های پهلوی از الگوی متقارن، با مرکزیت طنبی و تالار پذیرایی، پیروی می‌کرد (تصویر ۴). طنبی در دوره قاجار و تالار در دوره پهلوی زیباترین اتاق خانه و محل اصلی پذیرایی از مهمان بود و معمولاً پنجره‌های بزرگ و ارسی داشت که به جلوه و نمایش بیشتر نمای خانه کمک می‌کرد. از اوایل دوره پهلوی به تدریج پله‌های ارتباطی طبقات نیز در محور بنا قرار گرفت. فضاهای بخش اندرونی خانه‌های اعیان مانند خانه‌های طبقه متوسط از الگوی خطی پیروی می‌کردند.

• مقیاس میانی

- ترکیب فضاها: مشخص‌ترین ترکیب فضایی در خانه‌های اعیان دوره قاجار تفکیک حوزه‌های اندرونی و بیرونی است. به این صورت که هرکدام از حوزه‌ها دارای حیاط و مجموعه فضاهای مجزا بودند و دو بخش خانه معمولاً از طریق هشتی‌های ورودی، به عنوان مفصل ارتباطی، با یکدیگر ارتباط داشتند (خانه‌های شماره ۶، ۷، و ۸). بخش بیرونی بخش رسمی و محل نمایش جایگاه اجتماعی ساکنان خانه بوده و از مصالح مرغوب و تزئینات پرتکلف در آن استفاده شده است. فضاهای حوزه اندرونی به مراتب کم‌تکلف‌تر و ساده‌تر بودند و به این علت عموماً ماندگار نبوده و تخریب شده‌اند (خانه‌های شماره ۶، ۷، و ۸). در خانه‌های دوره پهلوی حوزه‌های اندرونی و بیرونی در یک خانه تلفیق شده‌اند (خانه‌های شماره ۹ و ۱۰). این موضوع را می‌توان در جریانات فرهنگی و اجتماعی آن روزگار پیگیری کرد. در خانه‌های طبقه متوسط نیز تمایل به تفکیک حریم‌ها وجود داشته، اما امکان ساخت حیاط‌های اندرونی و بیرونی میسر نبوده است. از آنجا که معمولاً ساختار خانواده در این خانه‌ها به صورت خانواده گسترده بود، تفکیک فضاها به صورت جداسازی اتاق‌های خاص برای هر خانواده بوده است. در برخی از خانه‌ها نیز برای تأکید بر جداسازی حریم‌ها، دو

است (خانه شماره ۹) که مغایر با اصول اقلیمی و سنت خانه‌سازی شهر اردبیل بوده است.

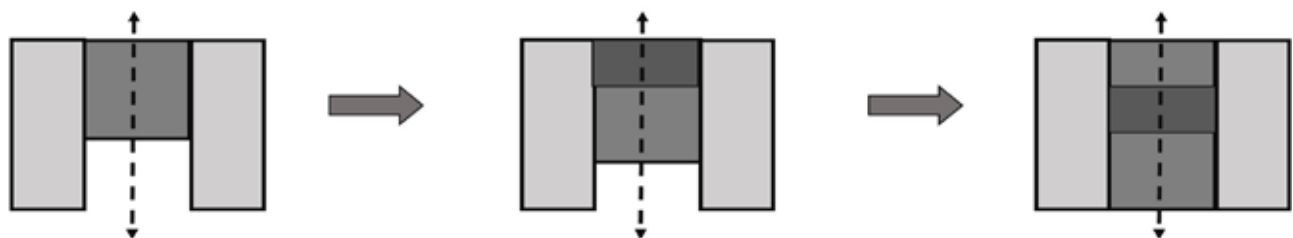
در اغلب خانه‌های طبقه متوسط وسعت فضاهای بسته نسبت به فضاهای باز به طور مشخصی کم است. بزرگ‌تر بودن فضای باز خانه از عوامل متعددی ناشی می‌شود، از جمله: ۱. امکان انجام بسیاری از فعالیت‌های روزمره از قبیل استفاده از آب چاه و حوض، رسیدگی به باغچه‌ها و نگهداری طیور و... در حیاط خانه؛ ۲. عدم تمکن مالی یا عدم نیاز به ساخت فضاهای غیرضروری سرپوشیده؛ و ۳. پیشگیری از ایجاد بار اضافی برای گرمایش ساختمان. در خانه‌های اعیان نیز نسبت فضای باز بیشتر از فضای بسته است. این امر به این علت است که حیاط در خانه‌های قدیمی محل اصلی تردد و انجام بسیاری از امور بود.

- الگوی فضاها: در خانه‌های طبقه متوسط ترکیب اتاق-دهلیز به گونه‌های مختلف در تمام خانه‌ها وجود دارد. گسترش این الگو به صورت خطی بوده و اندازه فضای آن به مساحت زمین، فضاهای هم‌جوار، نیازهای خانواده و تمکن مالی صاحب‌خانه بستگی داشت (تصویر ۳). متداول‌ترین الگو ترکیبی متشکل از دو اتاق و یک دهلیز میانی بود که در اردبیل به الگوی «یکی گوز بی دهلیز» معروف است. دهلیزها مسیرهای ورودی خانه را تعریف می‌کردند؛ ورود از حیاط به داخل خانه و ورود به مطبخ و سایر فضاها. اتاق‌ها فضاهای اصلی زندگی و محل انجام بخش زیادی از فعالیت‌های درون خانه بودند.

در مجموع، سادگی و خوانایی در ارتباطات میان فضاها و محورهای ارتباطی فضاها وجود دارد که به معنی سادگی و عدم پیچیدگی در رفتارهای درون این خانه‌ها نیز هست. خانه‌های اعیان در دوره قاجار شامل بخش‌های بیرونی و اندرونی بود که در دوره پهلوی این دو بخش در هم ادغام شدند. بخش بیرونی خانه‌های اعیان در دوره قاجار



تصویر ۳. ترکیبات مختلف الگوی اتاق-دهلیز در خانه‌های طبقه متوسط اردبیل. مأخذ: نگارنگان.



تصویر ۴. تقارن محوری با مرکزیت تالار، طنبی و پله در خانه‌های طبقه اعیان اردبیل. مأخذ: نگارنگان.

و خانه بیرونی نداشتند. اتاق مهمان در باقی اوقات همانند اتاق‌های دیگر کاربرد داشت. این موضوع به این علت بود که در طول روز به واسطه زندگی مشارکتی اعضای خانواده، از تمام فضاهای خانه به صورت اشتراکی استفاده می‌شد و تنها شب‌هنگام این فضاها جنبه اختصاصی برای هر خانواده می‌یافت. از طرفی به منظور جبران کمبود فضا برای اعضای خانه از جداگرهای چوبی در اتاق‌ها استفاده می‌شد. هنگامی که جداگر بسته می‌شد، بخش کوچک‌تر که مانند پستو بود، فضایی خلوت را ایجاد می‌کرد. وجود جداگرها موجب انعطاف‌پذیری فضای اتاق‌ها می‌شدند، به نحوی که در مواقع ضروری یک اتاق به دو اتاق تبدیل می‌شد (تصویر ۵).

- **فضاهای خدماتی:** فضاهای خدماتی یا سرویس‌دهنده، فضاهایی نظیر مطبخ، تنورخانه، اصطبل و انبار بودند. بالطبع در خانه‌های اعیان به فضاهای خدماتی وسیع و مفصلی نیاز بود. این موضوع به علت آمدوشد بسیار به خانه، تعداد زیاد ساکنان خانه و اهمیت وجود بی‌کم‌وکاست منابع، آذوقه و اسباب پذیرایی در خانه‌های اعیان بوده است. در این خانه‌ها زیرزمین‌های وسیع دربرگیرنده فضاهایی چون مطبخ، تنورخانه و انبار بودند. به علت بالابودن سطح آب‌های زیرزمینی در اردبیل ساخت زیرزمین، مگر با مصالح و تکنیک ساخت قوی، میسر نبود. این امکان نیز تنها برای طبقه اعیان و بعدها در دوره پهلوی، به صورت ساخت زیرزمین در زیر بخشی از خانه‌های طبقه متوسط، وجود داشت. فعالیت‌های خدماتی نیز عمدتاً توسط خدمتکاران انجام می‌شد و در برخی خانه‌ها فضاهایی برای زندگی این افراد وجود داشت.

در خانه‌های طبقه متوسط فضاهای خدماتی در حیاط قرار داشت. مطبخ اغلب به صورت طولی در پشت اتاق‌ها، در بخش شمالی بنا که نورگیری نداشت، ساخته می‌شد و مانند یک لایه حفاظتی و عایق حرارتی در سرمای اردبیل عمل می‌کرد. انجام کارهای خانه توسط اعضای خانواده انجام می‌شد. طبقه متوسط که عموماً از لحاظ اقتصادی کم‌توان بودند، در تهیه و مصرف منابع نیز قناعت و خودکفایی پیشه می‌کردند. در حیاط‌های این خانه‌ها فضای نگهداری طیور وجود داشت و از سبزی‌ها و میوه‌های باغچه‌ها به منظور رفع نیاز خانواده استفاده می‌شد. در برخی خانه‌ها که منبع درآمد مشاغل نظیر دباجی و قالی‌بافی بود، کارگاه نیز در حیاط خانه ساخته می‌شد (خانه شماره ۱).

• مقیاس خرد

- **مصالح و تزئینات:** در خانه‌های اردبیل عمدتاً از مصالح



تصویر ۵. دو نمونه دیوار جداگر چوبی در خانه‌های شماره ۲ و ۴. مأخذ: آرشینونگارنگان.

دهلیز با ورودی مجزا ساخته شده است. این ورودی‌ها هنگام مراسم موجب تفکیک ورود زنان و مردان نیز می‌شده است (خانه‌های شماره ۲، ۳ و ۴).

- **تعداد و اندازه فضاها:** تعدد فضاهای خانه‌های اعیان سه علت عمده دارد: ۱. این خانه‌ها از آن افراد شاخص و متمولی بودند که دارای ارتباطات اجتماعی بسیاری بوده‌اند و لذا در این خانه‌ها فضاهای پذیرایی از مهمان به تعداد و تفصیل بسیار، در قالب حیاط‌های بیرونی و طنبی‌ها و تالارها، وجود داشت؛ ۲. تعداد اعضای خانه نیز به واسطه وجود خدمتکاران بالنسبه زیاد بود؛ ۳. تمکن مالی طبقه اعیان به آنها توان ساخت فضاهای بیشتر و بزرگ‌تر در خانه را می‌داد.

ارتباطات اجتماعی زیاد با خویشان و همسایه‌ها در میان طبقه متوسط نیز وجود داشت. اما این افراد تمایل، نیاز، یا امکان چندانی برای نمایش جایگاه خود، با ساخت تالار

شیشه‌های رنگی، عمدتاً در فضاهایی چون طنبی و تالار، وجود داشت (تصویر ۶). در نمای بناها در برخی قسمت‌ها آجرکاری می‌شد که بالطبع در خانه‌های اعیان پرکارتر انجام می‌شده است (تصویر ۷).

بحث

ترکیب سرمایه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین که در روش زندگی منعکس می‌شود، تعلق هر فرد یا گروه را به طبقه اجتماعی خاص تعیین می‌کند. از این رو می‌توان روش زندگی را از منظر نسبت‌های سرمایه‌ای هر طبقه بررسی و تبیین کرد.

• سرمایه اقتصادی

شاید مهم‌ترین وجه تمایز طبقه اعیان و متوسط در مصادیق تحقیق حاضر، میزان سرمایه اقتصادی باشد. همان‌طور که اشاره شد، مردم طبقه متوسط و پایین اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی از لحاظ وضعیت معیشتی اوضاع چندان مساعدی نداشتند. طبقه متوسط قدیم شامل تجار متوسط، صنعتگران، پیشه‌وران، کسبه، روحانیون و خرده‌مالکان می‌شود و اما طبقه متوسط جدید کارمندان و متخصصان (عمدتاً در بخش دولتی) را دربرمی‌گیرد (هزار جریبی، ۱۳۸۹، ۸۰)، که از لحاظ درآمد و سرمایه مادی در حد متوسط بودند و از این رو از نظر گرایش‌های مصرفی قناعت و خودکفایی را پیشه می‌کردند. بازتاب این موضوع در شیوه زندگی و خانه‌سازی در استفاده از محصولات باغچه‌ها و پرورش طیور، در کنار ترکیب ساده فضاهای خانه و گذران زندگی چند خانواده در فضاهای محدود خانه با ترفند کاربرد دیوارهای جداکننده، سادگی اثاث و نبود تزئینات مفصل در فضاهای خانه بوده است.

در مقابل، اقشار غالب و طبقه اعیان در اوایل دوره پهلوی، همانند اواخر دوره قاجار، که متشکل بود از دولت‌مردان، زمین‌داران بزرگ، خان‌های ایلات، علمای بانفوذ و تاجران موفق (نوذری، ۱۳۸۲)، درآمد مالی درخور و بسیاری داشتند. تأثیر سرمایه مالی زیاد این افراد در انجام امور خانه توسط خدمتکاران، تعدد و اندازه فضاهای خانه و مجموعه خانه بیرونی و اندرونی، اختصاص فضاهایی با تزئینات مفصل و پرتکلف برای مهمانان، انبارها و فضاهای خدماتی وسیع در زیرزمین‌ها و... بوده است. معمولاً محلات فرعی محل زندگی طبقه متوسط و پایین بود. با در نظر داشتن سطوح مختلف طبقه متوسط، در محلات اصلی ترکیبی از طبقه اعیان و طبقه متوسط زندگی می‌کردند.



تصویر ۶. تزئینات داخلی در طنبی خانه شماره ۷. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۷. آجرکاری نما در خانه شماره ۹. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

بومی استفاده شده است. بر همین اساس در خانه‌های این منطقه، پی‌ها از سنگ، دیوارها از خشت، پوشش سقف تیر چوبی (چهارتراش) و نمای خانه عمدتاً آجری با ازاره سنگی بود. دیوارهای ضخیم خشتی دارای ظرفیت حرارتی زیاد بوده و موجب محافظت در برابر دمای بیرون می‌شده است. جنس در و پنجره‌ها چوبی، کف‌سازی داخلی خانه گچ‌و‌خاک و اندود داخلی گچ بود. در خانه‌های طبقه متوسط، دیوارهای داخلی ساده و فاقد هرگونه تزئین بود، اما در خانه‌های اعیان تزئیناتی مانند انواع گچ‌بری‌ها، مقرنس‌ها، نقاشی‌ها و کتیبه‌ها همراه با ارسی‌های بزرگ با

• سرمایه اجتماعی

با توجه به مشترکات اجتماعی و فرهنگی جامعه، بسیاری از جنبه‌های مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی در کل بافت و طبقات اجتماعی اردبیل اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی مشابه و تقریباً یکسان بود. می‌توان به اهمیت روابط و جایگاه اجتماعی، روابط خویشاوندی و هویت اجتماعی و ساختار خانواده گسترده اشاره کرد. آنچه تا حدی موجب تفاوت میان طبقات اجتماعی می‌شود، نوع برخورد متفاوت از این منظر است. اهمیت حفظ و نمایش جایگاه و هویت اجتماعی برای طبقه اعیان بیشتر از مردم عادی طبقه متوسط بوده است.

تثبیت مقام و موقعیت اجتماعی از طریق گسترش روابط اجتماعی و نمایش سرمایه‌های اقتصادی و قدرت مالی انجام می‌شد. در این راستا خانه‌های بیرونی و تالارهای پذیرایی هر دو وظیفه گسترش روابط اجتماعی و تفاخر و تمایز اقتصادی را انجام می‌دادند. در بحث زندگی خانواده گسترده نیز طبقه اعیان در فضاهای متعدد و خانه‌های اندرونی (در دوره قاجار)، خانواده‌ها را در خود جای می‌دادند. در مقابل، طبقه متوسط بر حسب شرایط خود دارای روحیه قناعت و ساده‌زیستی بودند. از این رو در روابط اجتماعی و خویشاوندی خود بدون تکلف برخورد می‌کردند و تمایل و نیازی به القای حس تمایز نسبت به دیگر افراد هم طبقه خود نداشتند.

• سرمایه فرهنگی و نمادین

بورديو برای سرمایه فرهنگی سه زیرمجموعه در نظر می‌گیرد: ۱. سرمایه فرهنگی درونی‌شده، به معنای گرایش‌های پایدار ذهنی و جسمی و توانایی‌های بالقوه‌ای که به تدریج بخشی از وجود افراد در آن تثبیت شده‌اند؛ ۲. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، به معنی تمامی اشیا و کالاهای فرهنگی؛ و ۳. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، که لازمه آن وجود افراد با صلاحیت و مستعد برای کسب انواع مدارک تحصیلی و حرفه‌ای است (درینی، تابان، نامدار جویمی و باهنر، ۱۳۹۴). بر این اساس می‌توان جهان‌بینی، ارزش‌ها، باورها، ایده‌آل‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی، معنی، الزامات و هنجارها را سرمایه فرهنگی درونی‌شده دانست. با توجه به بافت سنتی و همگن اردبیل آن روزگار، این مفاهیم ذهنی در عموم مردم جامعه تا حد زیادی مشترک بوده است. در سطح ذائقه، سلیقه و عادت‌واره، که به نوعی سرمایه فرهنگی درونی‌شده محسوب می‌شوند، تفاوت میان طبقات آشکار می‌شود. در این رابطه بورديو به معرفی سه قلمرو اصلی سلیقه (ذائقه) می‌پردازد که عبارت است از: ۱. سلیقه مشروع که در میان بخش‌های فرهیخته طبقه مسلط رایج است و مشخصه اصلی آن تمایل زیبایی‌شناختی به

دفاع از اولویت کامل فرم نسبت به کارکرد است؛ ۲. سلیقه متوسط که بیشتر در میان طبقات متوسط شایع است؛ و ۳. سلیقه عامه‌پسند که نزد طبقات پایین و کارگر رواج دارد و مبتنی است بر ذائقه ضرورت و «رفع نیاز». طبقه متوسط از یک طرف علاقه‌مند به ایجاد فاصله میان خود و طبقه پایین است و از طرف دیگر فاقد تجربیات فرهنگی و آموزشی لازم برای نزدیک‌شدن به سلیقه مشروع است (ممتاز، ۱۳۸۳، ۱۵۶). نمی‌توان انکار کرد که همواره تمایل به شباهت و نزدیک‌شدن به طبقه اعیان دست‌کم در میان طبقه متوسط سطح بالا وجود داشته است. به عنوان مثال، خانه شماره ۲ نمونه‌ای از تلاش به شباهت به الگوی متقارن با طبیبی میانی در خانه‌های اعیان است. این موضوع در مورد عادت‌واره‌ها و رفتارها نیز وجود داشته است.

عادت‌واره‌ها منتج از سلیقه و ذائقه و متأثر از سرمایه اقتصادی و اجتماعی است (تصویر ۲). لذا با توجه به تمایز طبقه اعیان در موارد مذکور، می‌توان تفاوت در عادت‌واره‌ها را نیز نتیجه گرفت. «اشراف قدیم ایران چون تحت تأثیر استعمار غربی قرار داشته‌اند بسیاری از عادات اروپاییان را تقلید می‌کردند و وجه تمایز آنها از آن طریق تعیین می‌گردید» (همان، ۱۵۸). در خانه‌های شماره ۹ و ۱۰ که مربوط به دوره پهلوی است، تقلید از غرب در مواردی چون حذف حیاط اندرونی و استفاده از پله‌های داخلی به صورت آشکار و بر روی محور میانی خانه قابل مشاهده است. در میان اثاث خانه‌های اعیان اردبیل نیز اثراتی چون صندلی‌های لهستانی و میزهای روسی، تخت خواب‌های فنری، ساعت‌های شماتپه‌دار و... وجود داشت (بابا صفری، ۱۳۷۱، ج. ۱، ۲۷۴).

وجه دیگر تمایز این طبقه در تولید سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته بوده است. «افراد هرچه سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری داشته باشند منبع بیشتری برای شرکت در بازی زیبایی‌شناسی «ناب» و «بی‌غرضانه» در اختیار دارند، در حالی که افراد با سرمایه ذخیره‌ای محدود، انتخابی جز استفاده از همان منابع محدود در خلق زیبایی‌شناسی ندارند» (وبستر، ۱۳۹۶، ۶۷). این موضوع را در استفاده از تزئینات زیبا و پرتکلف در خانه‌های اعیان در مقابل سادگی خانه‌های طبقه متوسط می‌توان دید. در نهایت براساس داده‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و بررسی‌های میدانی خانه‌ها، جدولی مبتنی بر مقوله‌های سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین تنظیم شد (جدول‌های ۲، ۳ و ۴). در این جدول سعی شد میزان سرمایه‌های طبقه متوسط و اعیان اردبیلیان اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی و بیان کالبدی مقوله‌های سرمایه در خانه‌های ایشان تبیین شود.

جدول ۲. بیان کالبدی سرمایه فرهنگی و نمادین ساکنان در خانه‌های طبقه‌های متوسط و اعیان اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

نوع سرمایه	مقوله‌ها	میزان سرمایه		بیان کالبدی	
		طبقه متوسط	طبقه اعیان		
سرمایه فرهنگی و نمادین	جهان بینی	جهان بینی مشترک مردم متأثر از دین اسلام و مذهب شیعه	بافت همگن شهری و مشابهت کلی بناها، چه در بافت‌های متوسط‌نشین و چه در بافت‌های اعیان‌نشین	طبقه اعیان	
	ارزش‌ها، باورها، ایده‌آل‌ها	ارزش‌ها و باورهای ریشه‌دار که عمدتاً منبعث از فرهنگ، مذهب و تجربیات تاریخی است؛ مانند پایبندی به حفظ شعائر مذهبی و عرفی، محرمیت، رعایت حرمت بزرگ‌ترها و مهمان و...	دالان ورودی خانه (دوره قاجار)، دو ورودی مجزا از حیاط به خانه، اختصاص بزرگ‌ترین اتاق‌ها بر اساس سلسله‌مراتب سنی خانواده‌ها	طبقه متوسط	
	طرح‌واره‌های ذهنی، معنی	جایگاه اجتماعی مناسب، مسلمان کامل بودن، توجه به جنبه معنوی و دینی اعمال در میان تمام اقشار جامعه	آبادی دائمی فضاهای خانه برای پذیرایی از مهمان، فضاهای انعطاف‌پذیر برای وضعیت‌های مختلف زندگی و مراسم مذهبی	الگوی متمایز خانه، ساخت فضاهای تالار، طنبی، خانه و حیاط بیرونی برای برگزاری مراسم مذهبی	طبقه متوسط
	الگوها، هنجارها، الزامات	الگوهای مرسوم رفتاری از قبیل رعایت هنجارها و سنت‌های جامعه، حفظ شرایط بهینه زیست در سرما، تحمل سختی گذرای ایام، دوراندیشی برای زمستان سخت، عدم ساخت فضای نیمه‌باز، ساخت مطبخ در پشت اتاق‌ها	جهت‌گیری به سمت جنوب شرقی، پیش‌ورودی اتاق‌ها، دیوارهای ضخیم خشتی، پنجره‌های دولایه، آزاره سنگی بنا	انبارهای وسیع در زیرزمین‌ها	طبقه متوسط
	سلیقه، ذائقه	استفاده از منابع محدود موجود	خواهان دسترسی به منابع بیشتر	سرمایه‌های فرهنگی عینیت‌یافته نظیر تزئینات فضاهای داخلی و نمای بنا، استفاده از اسباب گران‌قیمت و تزئینی در خانه و...	طبقه متوسط
عادت‌واره	تداوم روش زندگی و نحوه انجام فعالیت‌ها از نسل‌های پیشین تا قبل از ورود مظاهر مدرنیسم	پیشگامی در تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری و فضایی غربی	الگوهای خانه‌سازی در اوایل دوره پهلوی با کمترین تغییر نسبت به اواخر دوره قاجار	حذف بخش اندرونی و ایجاد پلکان در وسط خانه در دوره پهلوی	طبقه متوسط

جدول ۳. بیان کالبدی سرمایه اقتصادی ساکنان در خانه‌های طبقه‌های متوسط و اعیان اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

نوع سرمایه	مقوله‌ها	میزان سرمایه		بیان کالبدی
		طبقه متوسط	طبقه اعیان	
سرمایه اقتصادی	شغل	تجارت خرد و متوسط، پیشه‌وری، خرده‌فروشی، صنعت‌گری، مشاغل دولتی و ...	زمین‌داری، تجارت، امور دولتی و کشوری رده‌بالا، خان‌های ایلات و ...	محل کار معمولاً خارج از خانه قرار داشت، ولی برخی ملاقات‌های کاری در داخل خانه انجام می‌شد. به همین منظور فضایی مخصوص این امر در بخش ورودی خانه قرار داشت.
	درآمد	درآمد متوسط یا پایین به نسبت شرایط زمانی و مکانی	درآمد بالا به‌واسطه روابط و مشاغل پرسود	ساخت فضاهای پر تعداد در خانه با کارکردهای مختلف
	محل زندگی	محللات فرعی و اصلی	محللات اصلی و مرکز شهر	با وجود نسبت زیاد خانه‌های اعیان در محللات اصلی، خانه‌های طبقات متوسط نیز در این محللات تا حدودی به چشم می‌خورد.
	سرمایه مادی	سرمایه مادی کم و متوسط	سرمایه مالی زیاد به‌واسطه پیشه و درآمد مالی	عدم توانایی در ساخت زیرزمین و یا امکان ساخت تنها بخشی از فضاها در زیرزمین، ساخت حداقل فضاها از لحاظ ابعاد و تعداد، عدم استفاده از مصالح تزئینات پرکار
گرایش‌های مصرفی	نگرانی از کمبودها و تمایل به قناعت و صرفه‌جویی در مصرف مواد غذایی و سوخت زمستان و سعی در رسیدن به خودکفایی در تولید برخی مواد مصرفی.	عدم نگرانی از کمبود آذوقه و اهمیت وجود بی‌کم‌وکاست منابع، آذوقه و اسباب پذیرایی	عدم ساخت فضاهای اضافی دارای هزینه ساخت و بار گرمایشی، ایجاد باغچه‌های بزرگ و فضاهای نگهداری طیور در حیاط	ساخت فضاهای خدماتی مفصل شامل مطبخ و زیرزمین‌های وسیع، انبار و اتاق‌های خدمه و...

جدول ۴. بیان کالبدی سرمایه اجتماعی ساکنان در خانه‌های طبقه‌های متوسط و اعیان اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی. مأخذ: نگارندگان.

نوع سرمایه	مقوله‌ها	میزان سرمایه		بیان کالبدی	
		طبقه متوسط	طبقه اعیان	طبقه متوسط	طبقه اعیان
سرمایه اجتماعی	روابط اجتماعی	در جامعه سنتی آن روزگار روابط اجتماعی نقش بارزی برای مردم جامعه چه در میان اعیان و چه در میان اقشار متوسط داشت. با این حال روابط اجتماعی طبقه اعیان به علت نفوذ و سرشناسی آنها در جامعه به مراتب بیشتر از اقشار متوسط بود.	استفاده از همه ظرفیت خانه اعم از اتاق‌ها و حیاط در مراسم مختلف، مهمانی‌ها و دورهمی‌ها	اختصاص فضاهایی خاص به منظور پذیرایی از مهمان نظیر طنبی و تالار	
	جایگاه اجتماعی	بدون جایگاه اجتماعی شاخص	شهرت و جایگاه اجتماعی خاص افراد سرشناس	ورودی، فضاهای مهمان و خانه بیرونی با نمای زیبا و کاربرد تزئینات فاخر	
	روابط خویشاوندی	روابط خویشاوندی گسترده در میان تمام اقشار جامعه و تلاش در جهت حفظ و تداوم آن	ساخت حیاط وسیع به منظور انجام کارها به صورت جمعی، ساخت خانه‌های هم‌خویشان در جوار هم در یک محله	تفکیک خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی؛ تالار و طنبی مخصوص مردان و اندرونی خانه مخصوص استفاده زنان	
	ساختار خانواده	زندگی مبتنی بر پدرسالاری در خانواده گسترده هم در میان اقشار متوسط و هم در اعیان	جداسازی اتاق‌های خاص برای هر خانواده با استفاده از جداگرهای چوبی در اتاق‌ها	تفکیک خانه به دو عرصه مردانه و زنانه در دوره قاجار (به تدریج از دوره پهلوی زندگی تک خانواری مرسوم شد).	
	هویت اجتماعی	تلاش برای کسب هویت اجتماعی از طریق عمل به هنجارها و عرف جامعه و ازدیاد سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (بیشتر در طبقه اعیان)	الگوهای مشترک خانه‌ها در جهت رعایت سنت خانه‌سازی مرسوم و پذیرفته شده	الگوهای متمایز خانه‌ها با خانه‌های عادی جهت تأکید بر هویت و جایگاه اجتماعی افراد	

نتیجه‌گیری

افرادى که به خانه مراجعه می‌کردند، القا می‌کرد. این امر به نوعی در راستای تحکیم جایگاه و نفوذ اجتماعی صاحبان خانه‌ها نیز بود. با این حال در دوره پهلوی، به واسطه تغییرات اجتماعی و فرهنگی، توجه به درون خانه افزایش یافت و این امر موجب ادغام بخش‌های اندرونی و بیرونی خانه و حذف تدریجی اندرونی از ساختار پیکره‌بندی خانه شد. همچنین طنبی از محوریت اصلی بنا حذف و جای آن راه‌پله و راهروی تقسیم مستقر شد. مورد مشترک در تمام خانه‌های اعیان وجود فضاهای مفصل خدماتی و تعدد فضاها به واسطه آمدوشد فراوان و وجود خدمتکاران و... بود.

در مقابل، طبقه متوسط جامعه اردبیل به علت کمبود میزان سرمایه‌های خود، رویکرد قناعت، سادگی و عدم تفاخر را پیشه کرده بودند. این رویکرد در شیوه زندگی و بالطبع در ساختار فضایی خانه‌ها در هر سه مقیاس کلان، میانی و خرد تبلور عینی یافته است. این خانه‌ها معمولاً دارای حداقل تزئینات بودند و با ترکیب‌های متعدد از تکرار خطی الگوی دوبخشی اتاق-دهلیز شکل می‌گرفتند. انعطاف‌پذیری فضاهای خانه‌ها برای موقعیت‌های مختلف زمانی (روز، شب، مراسم مختلف،

در راستای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، نتایج بحث و تحلیل‌ها حاکی از آن است که تفاوت در ترکیب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین موجب شکل‌گیری گونه‌های مختلف روش زندگی می‌شود. سرمایه‌ها به مثابه ابزاری به شکل‌گیری روش زندگی کمک می‌کنند و در جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی و الگوهای سکونت و مسکن تأثیر می‌گذارند. سرمایه‌ها ارتباطی متقابل با یکدیگر دارند و موجب تقویت یکدیگر می‌شوند. کم‌اینکه طبقه اعیان به واسطه سرمایه اقتصادی بسیار خود، توانایی ازدیاد سرمایه فرهنگی، به‌ویژه سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نیز افزایش سرمایه اجتماعی خود را به دست می‌آورد. این موارد به ترتیب در اثاث و تزئینات مورد استفاده در خانه‌ها و نیز کیفیت فضاهای پذیرایی از مهمان در قالب خانه‌های بیرونی، طنبی و تالار و... نمود یافته است. خانه‌های اعیان اردبیل عموماً دارای الگوی تقارن مرکزی با محوریت طنبی یا تالار با نما و تزئینات پرکار بودند که موجب جلوه و خودنمایی هرچه بیشتر بنا می‌شد. فرم U شکل بناهای دوره قاجار، حس مردم‌داری و پذیرش از طرف اهل خانه و حس دربرگرفته شدن را به

(۱۳۹۴). بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. باغ نظر، ۱۲(۳۴)، ۱۱-۲۴.

• افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۴)، ۳-۱۶.
• بابا صفری، علی اصغر. (۱۳۷۱). اردبیل در گذرگاه تاریخ (ج ۱، ۲ و ۳). اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
• پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۴)، ۳-۱۸.

• حجت، عیسی و حیدری، عرفان. (۱۳۹۵). خانه بغدادی در کرمانشاه. نمودی از تعاملات فرهنگی بازگانی دو ملت ایران و عراق در عصر قاجار. صفة، ۲۶(۲)، ۱۲۳-۱۳۸.

• درینی، ولی محمد؛ تابان، محمد؛ نامدار جویمی، احسان و باهنر، ناصر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه ایلام). مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۶(۳۱)، ۱۷۸-۱۹۷.

• فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی. تهران: نی.

• گرب، ادوارد. (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر (ترجمه محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی‌زاد). تهران: فرهنگ معاصر.

• گنجی، محمد و حیدریان، امین. (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ (با تأکید بر نظریه‌های پی‌یر بوردیو و دیوید تراسی). راهبرد، ۲۳(۷۲)، ۷۷-۹۷.

• محمدحسینی، پریسا. (۱۳۹۰). بررسی پیوند کالبد خانه و فرهنگ در خانه‌های قاجاری تبریز براساس دیدگاه ایمس راپوپورت، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
• ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. پژوهشنامه علوم انسانی، ۴۱(۴۲-۴۱)، ۱۴۹-۱۶۰.

• مؤمنی، کورش و ناصری، ندا. (۱۳۹۴). بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۴)، ۱۸-۳۳.

• مؤید حکمت، ناهید. (۱۳۹۲). درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پی‌یر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۴(۱)، ۱۵۵-۱۷۸.

• ناصری، ندا؛ مؤمنی، کورش؛ کاک‌زاده، محمدمامیر و وثیق، بهزاد. (۱۳۹۵). بازشناسی تأثیر شغل و سطح اجتماعی مالکان مسلمان خانه‌های قجری بوشهر در شکل‌گیری سلسله‌مراتب حریمیت فضای ورودی. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۲(۲)، ۷۷-۹۲.

• نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی و تغییرات اجتماعی در ایران (نقش و جایگاه طبقه متوسط در فرایند توسعه سیاسی-اقتصادی ایران در بستر انقلاب). رفاه اجتماعی، ۳(۱۱): ۱۰۱-۱۲۹.

• وبستر، هلنا. (۱۳۹۶). بوردیو برای معماران (ترجمه احسان حنیف). تهران: کتاب فکر نو.

• هزار جریبی، جعفر. (۱۳۸۹). بررسی نظری در شناخت طبقه متوسط (با تأکید بر طبقه متوسط جدید ایران). علوم اجتماعی، ۱۷(۵۰)، ۶۳-۹۰.

تغییر تعداد اعضای خانواده و...، ملاحظاتی اقلیمی مانند جهت‌گیری به سمت جنوب، ایجاد مطبخ پشت اتاق‌ها و نسبت زیاد فضا به توده از مهم‌ترین ویژگی‌های خانه‌های طبقه متوسط به شمار می‌رفت. این موارد را نیز باید منبعث از کمبود سرمایه‌ها به‌ویژه سرمایه‌های اقتصادی و یا تمایل به قناعت در میان ساکنان این خانه‌ها دانست. گرچه در برخی خانه‌های طبقه متوسط، شباهت‌هایی به الگوی متقارن خانه‌های اعیان دیده می‌شود، با این حال خانه‌های طبقه متوسط اردبیل در دوره پهلوی تفاوت چندانی با پیش از خود نداشتند. به نظر می‌رسد علت این موضوع، آشنایی دیرتر این طبقه با جنبه‌های تجدد باشد. در نهایت می‌توان چنین ادعان داشت که وجود تفاوت عمده در انواع سرمایه به‌ویژه سرمایه اقتصادی میان طبقات اعیان و متوسط شهر اردبیل در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی موجب بروز تفاوت‌هایی در روش زندگی و بالطبع در ابعاد کالبدی و فضایی خانه‌ها شده است. این امر نشان می‌دهد فرضیه تحقیق، یعنی وجود رابطه میان تمایز در طبقات اجتماعی و تفاوت‌هایی در روش زندگی و الگوهای مسکن و سکونت، مورد تأیید است. مردم اردبیل به علت زندگی در یک محیط و داشتن تجربه‌های تاریخی، سنت و مذهب یکسان، در بسیاری از مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی اشتراکاتی با یکدیگر دارند. در این میان آنچه موجب تمایز طبقات می‌شد، نوع برخورد متفاوت در قبال این مؤلفه‌ها بود؛ به نحوی که طبقه اعیان اغلب در مواجهه با موضوعاتی چون جایگاه، روابط و هویت اجتماعی، سلیقه، ذائقه و... به صورت پرتکلف‌تر و همراه با القای حس تمایز و تفاخر عمل می‌کردند. این در حالی است که اقشار متوسط، بیشتر به قناعت در استفاده از منابع، پذیرش شرایط موجود و سعی در سازگاری با آن و مواردی از این قبیل گرایش داشتند. نمود فضایی-کالبدی این شیوه‌های تفکر در ساختار کالبدی-فضایی خانه‌هایشان در قالب تفاوت در شکل ورودی، نما، فضای مهمان، فضاهای خدماتی، اثاث خانه، تزیینات و... نیز قابل مشاهده است. در پایان باید اشاره کرد همان‌گونه که در جامعه طیف‌های متنوعی از طبقات اجتماعی وجود دارند، گونه‌های مختلفی از شیوه سکونت و نیز اشکال متفاوتی از مسکن به وجود می‌آیند. از این رو مطالعه مسکن در یک جامعه مستلزم توجه به تمامی الگوهای موجود در آن جامعه و نیز تحلیل آنها در بستر شکل‌دهنده آن است.

فهرست منابع

- ارژمند، محمود و خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. شهر ایرانی اسلامی، ۲(۷)، ۲۷-۳۹.
- ارمغان، مریم؛ سلطان‌زاده، حسین و ایرانی بهبهانی، هما.

- Archer, J. (2015). Social Theory of Space: Architecture and the Production of Self, Culture, and Society. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 64(4), 430- 433.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction* (R. Nice Trans.). London: Routledge.
- Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Greenwood.
- Gartman, D. (2013). *Culture, Class, and Critical Theory: Between Bourdieu and the Frankfurt School*. New York : Routledge.
- Lamont, M. & Lareau, A. (1988). Cultural Capital: Allusions, Gaps and Glissandos in Recent Theoretical Developments. *Journal of Sociological Theory*, 6(2), 153-168.
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.
- Rapoport, A. (2003). *Cultura, Arquitectura y Diseño*. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.
- Savage, M. (2012). *The Lost Urban Sociology of Pierre Bourdieu*. (G. Bridge & S. Watson Eds.). New York: Blackwell Publishing.
- Turner, J. H. (1998). *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

محمدحسینی، پریسا؛ جوان فروزنده، علی؛ جهانی دولت‌آبادی، اسماعیل و حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن؛ نمونه موردی: خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در اردبیل. باغ نظر، ۱۶ (۷۶)، ۳۱-۴۴.

DOI: 10.22034/bagh.2019.138376.3667

URL: http://www.bagh-sj.com/article_93432.html

